

## عنوان مقاله:

بازتاب عرفان عاشقانه مولانا جلا الدین بلخی در مثنوی و دیوان شمس

## محل انتشار:

کنگره بین المللی زبان و ادبیات (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

## نویسندگان:

غلامرضا تمیمی - استادیار، دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی، گروه ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه پیام نور

محسن مومن - استادیار، دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی، گروه ادبیات فارسی، عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

الهام رضاییان ورمزیار - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

## خلاصه مقاله:

مولانا جلال الدین، زاهدی برجسته و شریعتمداری عالی قدر بود که در 22 سالگی به درجه اجتهاد رسید و مسند فتوی را از پدر به ارث برد. طلوع شمس تبریزی در زندگی مولانا، تولدی دیگر بود که مولانا، جهان بینی نوین خود را حاصل برخورد با شمس تبریزی و برخورداری از کرامات او می دانست. البته جاودانگی نام شمس نیز از برکت وجود مولاناست. دامنه تخیل مولانا و آفاق اندیشه اوچندان گسترده بود که ازل و ابد را به هم پیوند داد. او در اشعار خود تصویری به وسعت هستی آفرید. بعضی از تصاویر شعری او ممتازند و سراینده را میشناسانند. مولانا زیبایی را در عظمت و بیکرانگی میجوید. عناصر سازنده تصاویر ممتاز شعری او مفاهیمی هستند از قبیل مرگ و زندگی و رستاخیز و ازل و ابد و عشق و دریا و کوه. اگرهم عناصر تصویری را از شاعران دیگر به وام میگیرد، بار عاطفیان تصاویر که از جهان بینی و دید او نسبت به هستی ناشی میشود، بدانها معنای تازه میبخشد. این تصاویر تکراری در شعر او حرکت و حیات بیشتری دارند. مقالات شمس، در واقع سرمشق والگوی تفکر مولانا بود. و این نگرش بیانگر تاثیر اندیشه شمس پس از آن دیدار رازناک آن دو بزرگوار بود. از آن پس مولانا با دگرگونی اساسی در زندگی خود شریعت را به عنوان نردبانی برای عروج از طریقت تا رسیدن به حقیقت قرار داد.

## کلمات کلیدی:

مولانا جلال الدین، عرفان، عشق، مثنوی، دیوان شمس

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/582337>

